

امام زمان علیه السلام میزبان ماه رمضان

پنجشنبه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بعدد ما احاط به علمه.

«الهي انطقني بالهدى والهمني التقوى»

ماه مبارک، کلمه‌ی برکت یعنی خیر زیاد. حتماً می‌دانید نفس کشیدن روزه‌دار به منزله سبحان الله گفتن است. خوابیدن در ماه رمضان به منزله عبادت است. دعا مستجاب است. یک آیه قرآن را خواندن مساوی است با یک ختم قرآن، افطاری دادن چقدر سفارش شده است. اینها همه برکت است و انشاءالله خداوند همه برکات این ماه را نصیب همه ما بگرداند.

ماه رمضان یک نسبتی به مسجد دارد که حدیث داریم «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» بعد می‌گوید: اقامه مسجد و عمران و آبادی مسجد، کلمه مسجد کنار قرآن آمده است. ماه رمضان ماهی است که قرآن نازل شد و ماهی است که مردم سفارش شدند به اینکه به مسجدها رو کنند.

۱ - سوره قدر بیانگر نزول فرشتگان در ماه رمضان:

یک رابطه‌ای هم بین ماه رمضان با امام زمان علیه السلام هست. یک سوره هست که تقریباً همه ایرانی‌ها حفظ هستند. یک کلمه‌اش را من می‌خوانم و باقی‌اش را شما بخوانید. «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ، سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» (قدر/ ۴ و ۵) این سوره قرآن است و شیعه و سنی قبول دارند. معنایش این است که شب قدر فرشته‌ها به زمین می‌آیند.

در روایات داریم شما با همین سوره قدر در مورد حضرت مهدی با دیگران مباحثه کنید. بگویید: شب قدر در شیعه و سنی، شب قدر برای یکسال نیست. هر سال یک شب قدری است. این یک مورد. ۲ - شب قدر هم در ماه رمضان است. ۳ - شب قدر هم «تنزل الملائكة» فرشته‌ها از آسمان پایین می‌آیند. امام فرمود: از مردم بپرسید: فرشته‌ها که می‌آیند، کجا می‌روند؟ زمان پیغمبر بر پیغمبر نازل می‌شد. خدمت پیغمبر می‌رفتند. بعد از پیغمبر هم باید کسی باشد که فرشته‌ها خدمت او برسند. فرشته‌ها نزد من و شما که نمی‌آیند. اینکه قرآن می‌گوید: شب قدر فرشته‌ها روی زمین می‌آیند، کجا می‌روند؟ در زمان پیغمبر خدمت پیغمبر بودند و بعد از پیغمبر هم باید یک وجود معصومی باشد به نام حضرت مهدی علیه السلام که فرشته‌ها خدمت او برسند. (صلوات حضار).

۲ - ماه رمضان ماه مهانی معنوی خداوند:

با این آیه می‌توانید گفتگو کنید. مهانی خداست. مهانی معنوی، چون هر چیزی مادی هست، معنوی‌اش هم هست. مثلاً سفر مادی هست که سوار ماشین می‌شویم و یا با هواپیما و قطار جایی می‌رویم. سفر معنوی هم هست. «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ» (ذاریات/ ۵۰) فرار کنید به سمت خدا، یعنی توبه کنید. این یک سفر معنوی است. هجرت مادی هست که آدم از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر برود. این یک هجرت است. یک هجرت هم این است که از عیب‌های هجرت کن. همینطور که منطقه را عوض می‌کنی عیب‌هایت را عوض کن. «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر/ ۵) یعنی از پلیدی‌ها هجرت کن. یک لباس داریم که من و شما پوشیدیم. یک لباس هم داریم که می‌گوید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَى» (اعراف/ ۲۶) لباس مادی، لباس معنوی.

یک علم ظاهری داریم، یک علم باطنی داریم. یک محبت ظاهری داریم، یک محبت باطنی داریم. هر چیزی مادی‌اش هست، معنوی‌اش هم هست. مهانی هم همینطور است. مهانی مادی خوردنی‌هاست. مهانی معنوی نزول آیات است. قرآن دهها هزار رساله‌ی علمی دکتری درونش است. اینکه می‌گویند: ماه مهانی خداست، خدا در این ماه چه کرده است؟ می‌گوییم: شب قدر قرآن را فرستاده است. مگر قرآن پذیرایی است؟ بله، قرآن پذیرایی است. تمام زندگی ما در قرآن است. «کلوا» این غذا را بخور. چند تا «کلوا» در قرآن است. «لا تأکلوا» این غذا را نخور. «قولوا» این حرف را بزن. چند تا «قولوا» در قرآن است. «لا تقولوا» این حرف را نزن. سبک زندگی و دستور العمل زندگی، قرآن کتاب مقدس نیست که فقط ببوسیم، در طاقچه بگذاریم، با آن استخاره کنیم. در کیف عروس بگذاریم. شب قدر قرآن سر بگیریم. اینها استفاده‌های ظاهری است. استفاده واقعی این است که انسان ببیند قرآن چه گفته عمل کند. من شما را به غیب متصل کردم. چشم انداز شما را بالا بردم.

۳ - امام زمان عجل الله فرجه جانشین خدا در زمین:

صاحبخانه در ماه رمضان امام زمان است. راجع به امام زمان یک نکته برای شما بگویم یک خرده فنی است ولی دقت کنید. خداوند هرچه خواست خلق کند خودش خلق کرد. اصلاً به کسی نگفت، من می‌خواهم چه کنم. فقط درباره‌ی خلق انسان قبل از آنکه انسان را خلق کند به فرشته‌ها گفت: من می‌خواهم یک چنین کاری بکنم. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/ ۳۰) به فرشته‌ها گفت: می‌خواهم در کره زمین انسانی خلق کنم که آن جانشین من است. این فرشته‌ها از کجا فهمیده بودند، یا از انسان‌های قبل از آدم، یا از خصلت انسان، گفتند: خدایا از خیر این انسان بگذر. این «یفسد فی الارض» آدم خواهد کشت و فساد خواهد

کرد. «نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ» عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. ما فرشته هستیم تسبیح می‌گوییم و عبادت می‌کنیم. از خیر این انسان بگذر. خون ریز و فاسد هست. مفسد هست و اهل فساد و خونریزی است. خدا گفت: من یک چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

علوم را به حضرت آدم یاد داد. به آدم گفت: علمی که به تو یاد دادم به فرشته‌ها نشان بده. «ثُمَّ عَرَضَهُمْ» (بقره/ ۳۱) حضرت آدم هم آنچه از خدا گرفته بود به فرشته‌ها نشان داد. گفتند: «لَا عَلِمَ لَنَا» (بقره/ ۳۲) ما از جایی خبری نداریم. «إِلَّا مَا عَلَّمَنَا» حق با شماست. در انسان وزنه‌هایی است که می‌ارزد، این انسان‌ها با اینکه خونریزی و فساد می‌کنند اما می‌ارزد. یک چیزی است که این را جبران می‌کند. این قصه در قرآن آمده است. خداوند همه چیز را خلق کرد و به هیچکس نگفت. در خلقت انسان مسأله را با فرشته‌ها در میان گذاشت. فرشته‌ها گفتند: از خیر این انسان بگذر، خونریز و مفسد است. فساد می‌کند، خدا گفت: بله، خونریز هست، فساد هم می‌کند. نفی نکرد و نگفت: اینطور نیست. انسان خونریز است و فساد هم می‌کند. اما گفت: جبران می‌شود. جبران چیست؟ در عوض این آدمی که خونریزی می‌کند در این آدم‌ها آدمی هست که می‌تواند همه علوم را یاد بگیرد. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱) تمام علوم را انسان می‌تواند داشته باشد. یعنی نه همه انسان‌ها، در میان انسان‌ها کسانی هستند که ظرفیت دارند همه علوم را بلد باشند. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ» حضرت آدم علمش را به فرشته‌ها عرضه داشت، فرشته‌ها گفتند: نه، ظرفیت آدم بیش از فرشته‌هاست. چیزهایی که آدم می‌داند ما فرشته‌ها نمی‌دانیم. این مقدمه بود.

حالا یک خرده می‌خواهم تیز شوید، نیاز به یک مقدار دقت فنی دارد که الحمدلله دارید. چطور شد که خونریزی و فساد بشر در آن زمان که تک و تایی آدم بودند جبران شد. امروز که این همه آدم جنایتکار و مفسد فی الارض هست، خدا باید همین الآن هم یک کسی را خلق کند که آن ضعف‌ها جبران شود؟ پس باید شخصی به نام حضرت مهدی باشد. (صلوات حضار)

من برای اینکه خاطر جمع باشد که حرف را گرفتید، حرف‌هایم را نصف می‌زنم. نصفش را من می‌گویم و نصفش را شما بگویید. فرشته‌ها به خدا گفتند: از خیر آفرینش بشر بگذر. این بشر خونریز و مفسد است. خدا گفت: در عوض یک چیزهایی هم دارد. گاهی وقت‌ها می‌آدم در خاکروبه انگشتش را فرو می‌کند، می‌گویند: بابا میکروب است، کثیف است، می‌گوید: آخر در اینها یک دُر است، در اینها یک سکه است. در این بشر خونریز یک آدم‌هایی هستند که می‌ارزد. گفتند: خوب نمی‌دانیم. خدا علمی را به حضرت آدم داد، آدم علوم را به فرشته‌ها نشان داد و فرشته‌ها گفتند: حق با توست. حرف من این است. چطور برای چهار تا

آدم، آخر در زمان آدم چند تا آدم بودند؟ آدم بود و حوا بود و دو تا بچه‌هایشان، کم کم ما زیاد شدیم. آن زمانی که آدم کم بود، فتنه و فساد کم بود برای جبران این فتنه‌ها، خدا وزنه‌ای را قرار داد. حضرت آدم، امروز که جهان پر از فتنه و فساد است، خداوند وزنه‌ای قرار نداده است؟ باید آن فتنه‌ها و فسادها جبران شود.

این استدلال برای آیت الله العظمی، حاج آقا مرتضی حائری است که خیلی از بزرگان ما نزد او درس خواندند. پسر مؤسس حوزه علمیه قم، حرف قشنگی است. من خودم هم این را تا چند وقت پیش بلد نبودم. یکبار دیگر... حدیث داریم از حضرت زهرا که سؤال می‌کردند، حضرت زهرا سه بار می‌گفت. گفت: می‌خواهم طرف خوب این حرف را بگیرد. همینطور که فساد بشر جبران می‌شود به وجود حضرت آدم، باید فساد بشر امروز که میلیاردها آدم هستند و هر کدام صدها بار فساد می‌کنند باید همینطور که فساد آن زمان، فساد آن چند نفر جبران شد، به وجود حضرت آدم باید فساد آن روز هم جبران شود به وجود امام زمان. در اسکناس یک نخ است که این نخ به انسان ارزش می‌دهد. نخ هستی حضرت مهدی است. نخ را از اسکناس بکشند، کاغذ پاره‌ای بیش نیست. ارزشی ندارد.

۴ - یاد امام زمان عجل الله فرجه در دعاهای ماه رمضان:

در دعای افتتاح که ماه رمضان سفارش شده است، پنج شش صفحه است، دو صفحه‌اش برای شخص امام زمان است. دعا می‌کند خدایا! «اعزِزْ بِه ذِلَّتْنَا» اگر مسلمان‌ها ذلت هستند باید جبران شود. با وجود حضرت مهدی این عزت را به مسلمان‌ها بده. «وَاعِزِّ بِه عَائِلَتْنَا» فقر بیداد می‌کند، توسط آن مهدی جبران کن. «وَاقْضِ بِه عَنَّا مُمْغِرَنَا» شکست‌ها و کمبودهای غرامت‌ها و کسادهای ما را جبران کن. «وَاجْبُرْ بِه فَقْرَنَا» فقر ما را جبران کن. «وَسُدِّ بِه خَلَّتْنَا» شکاف‌های ما را تأمین کن. «وَيَسِّرْ بِه عُسْرَنَا» مشکلات ما را با حضرت مهدی آسان کن. «وَيَبِّضْ بِه وُجُوهَنَا» روسپاهی ما را با حضرت مهدی رو سفید کن. الآن مسلمان‌ها واقعاً رو سیاه هستند.

رئیس جمهور آمریکا از آن طرف دنیا به حجاز بیاید، همه سران دنیا را هم دعوت کنند، بعد از آنجا پل بزند بین حجاز و اسرائیل، وقتی هم به رئیس جمهور آمریکا اشاره می‌کند که می‌خواهم سران کشورها را ببینم، همه بله قربان می‌گویند. یعنی آمریکا هرطور بخواهد کشورهای اسلامی را تکان بدهد، تکان می‌دهد. مثل سگی که هرطور بخواهد دمش را تکان می‌دهد. این عزت اسلام است؟ اسلامی که می‌گوید: ساختمان کفار نباید بلندتر از مسجد مسلمان‌ها باشد. این مهم است. خداوند «لَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء/ ۱۴۱) یک صلواتی بفرستید (صلوات حضار)

۵ - خاطره‌ای از مرحوم ابوترابی، رهبر آزادگان:

یک قصه‌ای هست من سالهای قبل گفتم، دیگر بعد از ۳۸ سال در تلویزیون باید بعضی حرف‌ها را تکرار کنم. هم مردم یادشان رفته و هم نسل‌ها عوض شده است. قصه مهمی است و به درد ماه رمضان و قرآن و تفسیر هم می‌خورد. به درد مقاومت هم می‌خورد. به درد همه می‌خورد. جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای ابوترابی ده سال اسیر بود. بعد هم در زمان اسارت همه اسرای ایرانی قبول کردند ابوترابی رئیسشان شود. در ایران کسی که می‌خواهد رئیس شود، کلی طرفدار و ستاد انتخاباتی و بنر و پوستر و اس ام اس و خیلی زحمت دارد تا یک کسی نماینده شهر یا شورای شهر یا رئیس جمهور، انتخابات خرج دارد. آنجا حدود صد هزار اسیر کتک خورده همه رأی دادند که ابوترابی رئیس ما بود. بدون پوستر، بدون عکس و تبلیغات، چون من به ابوترابی حساس بودم. من و ابوترابی هم شاگردی بودیم. از نوجوانی با هم بودیم. وقتی هم به ایران آمد گفتم: آقای ابوترابی من و شما هم دوره بودیم. تو ده سال کتک خوردی و من ده سال پلو خوردم. حالا من شرمند تو هستم. تو بیا ثواب تلویزیون من برای تو، تو ثواب سه چهار روز شلاق‌هایی که خوردی به من بده. گفت: قبول است. گفتم: کلاه سرت گذاشتم، گفت: قبول است. می‌خواستم بینم ابوترابی چطور رهبر شد؟ رهبر خودجوش! رهبر بدون هیچ ستاد، بالاخره کشف کردم چگونه یک نفر بین صد هزار کتک خورده رهبر می‌شود آن هم رهبر طبیعی و بدون هیچ...

ماجرا به این صورت است. یک تیمی از غرب به عراق می‌آیند، به بغداد می‌روند، به اردوگاه سراغ اسرا می‌روند. هیأتی از غرب برای بازدید می‌آید. آن هیأت در اردوگاه به ابوترابی می‌رسد. همین آخوند... می‌گوید: در اینجا شکنجه هم هست یا نه؟ ایشان طفره می‌رود و می‌گوید: بالاخره هر چیزی هر جایی اقتضای خودش را دارد، پای تنور و زیر کرسی گرم است. در برف سرد است. زندان زندان است و اردوگاه، اردوگاه است. اینجا که هتل نیست. هر چه می‌گویند: جواب ما را بده. اینجا شکنجه هست؟ این صدامی‌ها شما را می‌زنند یا نمی‌زنند؟ هر چه می‌گوید ایشان طفره می‌رود. سرهنگی که مسئول شکنجه است آنجا ایستاده است. اینها می‌روند و سرهنگ صدامی به ابوترابی می‌گوید: من خودم شکنجه گر هستم. چرا نگفتی ترسیدی؟ می‌گوید: نه، من اگر می‌ترسیدم که جبهه نمی‌آمدم. کسی که جبهه می‌آید و اسیر می‌شود... می‌گوید: پس چرا نگفتی؟ گفت: آخر اینها اروپایی هستند. آمریکایی هستند. غربی‌ها مسیحی هستند. عراق کشور اسلامی است ولو صدام جنایتکار است ولی عراق کشور اسلامی است. قرآن یک آیه دارد و آیه‌اش این است. اگر امشب شب اول ماه رمضان همین آیه را حفظ کنید من دست شما را می‌بوسم. «لَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ» یعنی هرگز خدا اجازه

نمی‌دهد، «لِلْكَافِرِينَ» کافرین هم می‌شناسید، «عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» مؤمنین هم می‌شناسید. «سَبِيلًا» یعنی راه، یعنی خدا اجازه نمی‌دهد کفار بر مسلمان‌ها راه نفوذ داشته باشند. اسلام اجازه نمی‌دهد کفار بر مسلمان‌ها راه نفوذ داشته باشند.

الآن سعودی که از آمریکا اسلحه می‌خرد، مشکل خرید نیست. مشکل این است که هواپیمایی که خرید خلبان هم باید بیاید. کمک خلبانش هم باید بیاید. وسایل یدکی‌اش هم باید بیاید، خوابگاهش هم باید بیاید. راه نفوذ است. سوزن که رفت نخ دمش هم باید برود و الا چیزی نمی‌دوزد. اینطور نیست که به آمریکا اسلحه بدهیم خود آمریکایی‌ها، خود آمریکایی‌ها... باید کارشناس سیاسی، حقوقی، چه و چه... راه نفوذ است. خدا اجازه نمی‌دهد کفار بر مؤمنین نفوذ داشته باشند. اینها غربی و مسیحی هستند، من اگر می‌گفتم در عراق شکنجه هست، مسیحی‌ها بر مسلمان‌ها راه نفوذ پیدا می‌کردند. یعنی دکمه فشار پیدا می‌کردند، هان! پس خود اینها گفتند... چون کشور عراق است و عراق هم مسلمان است، خدا اجازه نمی‌دهد کفار بر مسلمان‌ها نفوذ کنند و من اگر می‌گفتم اینجا شکنجه است، آنها هم نفوذ می‌کردند. یعنی دکمه فشار بر صدام پیدا می‌کردند. سرهنگ با سواد بود و عرب بود و یک سری تکان داد و «لَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» آیه قرآن است. خدا اجازه نمی‌دهد مسلمان‌ها در قراردادهایشان، در تعهداتشان جایی را امضا کنند که کفار بر مسلمان‌ها نفوذ کنند.

شنیده شد که کفار از مسلمان‌ها امضاء گرفتند که زندگی حسین فهمیده را از کتاب‌های آموزش و پرورش حذف کنند. چون حسین فهمیده... امام به هیچ آیت الهی رهبر نگفت. به هیچ استاد دانشگاهی رهبر نگفت ولی به حسین فهمیده، امام خمینی فرمود: حسین فهمیده رهبر من است. رهبر من حسین فهمیده است. یعنی لقب رهبری را که به هیچ آیت الله نمی‌دهد، امام به حسین فهمیده داد. زندگی حسین فهمیده یک پسر سیزده ساله در کتاب‌های آموزش و پرورش‌ها، بچه‌ها هم بصیر می‌شوند. گفتند: نه، تمام این چیزها را باید برداشت. می‌خواهید عربی درس بدهید. بنویسید «العصفور طار» گنجشک پرید. عصفور یعنی گنجشک، طار، طیران، یعنی پرید. بگو: گنجشک پرید. عربی یاد می‌گیرد و نمره بیست هم می‌گیرد. چیزی هم از قرآن سر در نمی‌آورد. یک عربی باشد که لیسانس ما هم نتواند قرآن بخواند. چون در قرآن گفته: «فَقَاتِلُوا» بکش، «أُمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه/ ۱۲) رهبران کفر را باید کشت. سلمان رشدی را باید کشت. به میلیاردها انسان جسارت کرده است. باید کشته شود. اگر این دانشجو این را بخواند، «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» که در درس می‌شود. نه بنویسید گنجشک پرید! هر قراردادی که، قرارداد علمی، نفتی، سیاسی، هر نوع قراردادی که کفار بر مسلمان‌ها نفوذ

پیدا کنند ممنوع است. سرهنگ خجالت می کشد می گوید: من متأسف هستم از اینکه من مسلمان هستم و در ارتش صدام هستم. آقای ابوترابی می بیند این سرهنگ و رفت، در مقابل این آیه شرمنده شد و این نفوذ قرآن است. ابوترابی به سرهنگ می گوید: من می توانم کاری کنم که خدا تو را ببخشد. می خواهی؟ گفت: بله. گفت: جای مرا عوض کن. مرا به یک اردوگاه دیگر ببر، چند روز با ایرانی ها صحبت می کنم. باز بیا دو تا سیلی به من بزن. دو سه تا شلاق بزن و بگو این فساد می کند در زندان، یک اردوگاه دیگر مرا ببر. دو سه روز دیگر باز بیا دو تا سیلی بزن و به یک اردوگاه دیگر ببر. من نگران هستم بچه ایرانی ها در دوره اسارت در زندان صدام بپرند و خسته شوند و صبرشان تمام شود. می خواهم بروم به آنها دلداری بدهم. منتهی راه نفوذ ندارم. من چطور در اردوگاه های دیگر بروم؟ تو که سرهنگ هستی به هوای اینکه من اخلا لگر هستم بگو: این اخلا لگر است و جایش را عوض کنید. جای مرا عوض کن، یک خرده با این سرباز کار می کنم دوباره بگو: اخلا لگر است بیا جای مرا عوض کن. تو مرا کتک بزن و جای مرا عوض کن که من نفسم به این سربازهای ایرانی برسد. اگر این کار را بکنی من تو را دعا می کنم و خودم هم از شکنجه هایی که کشیدم حلالیت می کنم. این سرهنگ هم یک قرارداد سری در زندان با ابوترابی می بندد و می آید ایشان را جا به جا می کند. هر یک هفته، دو هفته در یک اردوگاه با یک سیلی و دو تا شلاق این را با ماشین جا به جا می کنند. به این وسیله کتک بخورد و شلاق بخورد ولی دلداری به اسرا بدهد و درس مقاومت به اسرا بدهد. این ساخته ی کیست؟ نقش قرآن این است.

۶ - بهره گیری از معارف قرآن در ماه رمضان:

ما کتاب هایی داریم آیاتی که با یکبار شنیدن طرف ۱۸۰ درجه عوض شده است. منتهی ما که آتش نمی گیریم بنزینی نیستیم. یکوقت یک عربی در مسجد آمد و گفت: یا رسول الله قرآنی که بلد هستی را به من یاد بده. پیغمبر به یکی از اصحاب گفت: برو کنار مسجد بنشین، یک قرآن یادش بده. او را برد و کنار مسجد گفت: بسم الله الرحمن الرحيم، کمک کنید... «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا، وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» (زلزله / ۱ - ۳) آقای... اسمش را یادم رفت. یکی از شعرای معروف ایرانی، این سوره «اذا زلزل» را به شعر درآورده است. می گوید:

این زمین در آن زمان پر بلا *** ناگهان چون زلزلت زلزالها

از درونش اخراجت اثقالها *** با تعجب قال الانسان ما لها

مردگان خیزند بر پا کُلهم *** تا همه مردم یروا اعمالهم

هرکه آرد ذره شرّاًیره *** یا که آرد ذره خیراًیره

آن زمان خورشید تابان کورّت *** کوه‌های سخت و سنگین سیّرت

آب‌ها در کام دریا سجّرت *** آتش دوزخ به شدت سُعرت

چون در آن هنگام جنت ازلّت *** خود بداند هرکه سیما احضرت

این آیات قرآن را به شعر درآورده است. عربی آمد گفت: یا رسول الله! به من قرآن یاد بده. پیغمبر به یکی از اصحاب سپرد و او را کنار مسجد برد و سوره «اذا زلزلت» را به او یاد داد. تا به این آیه رسید «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» هرکس ذره‌ای به وزن یک ذره کار خیر یا شر بکند جوابش را می‌بیند. بلند شد رفت. گفت: بنشین! گفت: بس است. در این هستی هر کار خیر و شر حساب و کتابی دارد. گفت: بس است. گفت: تو یک دقیقه شاگردی کردی. بنشین! گفت: بس است و رفت. استاد نزد پیغمبر آمد و گفت: یا رسول الله عجب شاگرد کم حوصله‌ای، شاگرد لیزی بود. یک دقیقه برایش قرآن خواندم گفت: بس است و بلند شد رفت. پیغمبر فرمود: «رجع فقیهاً» این در یک دقیقه فقیه شد. چون بنزینی بود. اگر بنزین باشد با گوگرد اول آتش می‌گیرد.

۷ - بهره‌گیری از دعاهای معصومین در ماه رمضان:

امام سجاد در مناجات می‌گوید: خدایا ناراحت هستم چرا چشم من اشک ندارد. چشم من خشک شده، چرا اشک ندارد؟ رابطه‌ی امام زمان و ماه رمضان، دعای افتتاح که بعد از افطار خوانده می‌شود جالب این است که دعاهای براساس حال انسان تنظیم شده است. دم افطار دعاهای یک سطر است. چون دم افطار آدم ضعف گرفته است و می‌خواهد یک چیزی بخورد. می‌گوید: یک سطر دعا بس است. «اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت» خدایا برای تو روزه گرفتم و با نعمت تو هم افطار می‌کنم. بس است. گرسنه هستم! افطار که کردی می‌گوید: حالا دعای افتتاح بخوان. دعای افتتاح هم یک ربع طول می‌کشد. چون بعد از افطار هم آدم خیلی حال ندارد. تعجب است شما بعد از افطار آمدید. من که با زحمت می‌آیم. دو تا چیز هست که آدم بخورد می‌افتد، یکی گلوله، یکی افطاری، بعد از افطار هم سنگین است ولی خوب باز دعای افتتاح را می‌گوید یک ربع بخوان. می‌گوید: بخواب، چند ساعتی که خوابیدی و از خواب بیدار شدی، حالا دعای ابو حمزه بخوان. یک ساعت و نیم، دو ساعت می‌کشد. یعنی دعاهای براساس حال ما تنظیم شده است.

حرم می‌روید بچه شما حال حرم ندارد، خیلی بچه را اذیت نکنید. پدر من می‌گفت: بچه بودی تو را کربلا بردیم. گفتیم: می‌خواهیم حرم امام حسین برویم. تو گفتی: انشاءالله امام حسین نباشد. بچه بودی. بچه حوصله زیارت ندارد. براساس حال و حوصله بچه، به ما گفتند: پیشنهاد باید مراعات پس نمازهایی که درد کمر و درد پا دارند را بکند. در دعای افتتاح دو سه صفحه مربوط به شخص امام زمان است.

خدایا تو را به حق این ماه عزیز و به حق مولودش امام حسن مجتبی و به حق شهیدش امیرالمؤمنین و به حق میزبانش حضرت مهدی، آنچه خیر و برکت در این ماه برای خوبان مقدر می‌کنی همه را برای همه ما مقدر بفرما. ما را از خاسرین و اهل حسرت قیامت قرار نده. کسانی که سالهای قبل بودند و الآن نیستند، همه را ببخش و بیامرز. همه مریض‌ها را شفا بده و همه مشکلات را حل کن. بدخواهان ما را شاد نکن. شرشان را به خودشان برگردان. از الآن تا ابد قلب امام زمان را از ما راضی بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته